

نخست وزیری که آخرین ترکش شاه در برابر انقلاب بود

۱۷ دی ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۴۲

اولین شرط بختیار برای ریاست اخذ رأی تمایل مجلس بود و شاه این شرط را پذیرفت. علت اصرار بختیار به این دلیل بود که بعد از سال ۱۳۳۲ش. سنت رأی اعتماد مجلس توسط شاه از بین رفته بود؛ چراکه این امر به مجلس فرصت می داد، تا نخست وزیر منتخب شاه را رد کند.

روز ۱۷ دی ۱۳۵۷ شاپور بختیار در کاخ نیاوران حضور یافت و اعضای کابینه خود را به شاه معرفی کرد. بختیار در نهم دی به عنوان آخرین تیر ترکش شاه در برابر انقلاب اسلامی، از سوی وی مامور تشکیل کابینه شده بود. شاپور بختیار فرزند محمدرضا (سردار فاتح) و نازیگم در سال ۱۲۹۴ش. در منطقه «بختیاری» به دنیا آمد. پدر بزرگ مادری بختیار، نجف قلی صمصام‌السلطنه دو بار در سال های ۱۲۹۱ و ۱۲۹۷ش. به مقام نخست وزیری رسید.

بختیار تحصیلات ابتدایی اش را در شهرکرد آغاز کرد؛ سپس برای تحصیلات دبیرستانی روانه اصفهان و پس از چندی عازم بیروت گردید. دیپلم متوسطه را در رشته ریاضی از یک مدرسه فرانسوی در بیروت دریافت کرد و در سال ۱۳۱۵ش. به فرانسه رفت و در رشته فلسفه در دانشگاه سوربن نام نویسی کرد. در بهار ۱۳۱۸ نیز دیپلم علوم سیاسی و لیسانس های فلسفه و حقوق دریافت کرد. در همان سال با یک زن فرانسوی ازدواج کرد و در ۱۳۱۹ش. برای خدمت سربازی در ارتش فرانسه داوطلب شد. پس از پایان جنگ بختیار دوباره به سوربن رفت و موفق به اخذ درجه دکتری دولتی گردید.[۱]

در زمستان سال ۱۳۲۴ش. بختیار به ایران بازگشت و در وزارت کار استخدام شد و عضویت حزب جبهه ملی را پذیرفت. در دولت دکتر مصدق معاونت وزارت کار را به عهده داشت. پس از وقایع ۲۸ مرداد و دستگیری و محاکمه مصدق او به فعالیت‌هایش در جبهه ملی ادامه داد. به علت مخالفت با شاه و فعالیت سیاسی و انتشار نامه و نطق‌هایش چند بار به زندان افتاد؛ اما دست از مبارزه برنداشت و در ایام آزادی در بخش خصوصی کار می کرد.[۲]

در جریان انقلاب نام او با ارسال نامه سرگشاده به شاه بر سر زبان‌ها افتاد و سرانجام بعد از سقوط حکومت ازهاری در شرایطی که انقلاب به روزهای پیروزی نزدیک شده و کمتر کسی مسؤولیت خطیر نخست وزیری را به عهده می گرفت، پیشنهاد شاه را برای احراز این مقام پذیرفت و علی‌رغم طرد وی از طرف جبهه ملی، کابینه خود را در ۱۶ دی ۱۳۵۷ به شاه معرفی کرد.[۳] پذیرفتن نخست وزیری از جانب بختیار جبهه ملی را از درون بی اعتبار ساخت و موجب شد سوابق اعضای آن زیر سؤال برود.[۴] شاه در کتاب خود می نویسد؛ شاپور بختیار یکی از رهبران جبهه ملی بود و من قبلاً به وسیله رییس ساواک و دیگران در جریان فعالیت

های او قرار داشتیم و پس از مذاکرات طولانی او را برای حل مشکلات مناسب تشخیص دادیم. [۵]

اولین شرط بختیار برای ریاست اخذ رأی تمایل مجلس بود و شاه این شرط را پذیرفت. [۶] علت اصرار بختیار به این دلیل بود که بعد از سال ۱۳۳۲ش. سنت رأی اعتماد مجلس توسط شاه از بین رفته بود؛ چراکه این امر به مجلس فرصت می داد، تا نخست وزیر منتخب شاه را رد کند. [۷]

مطالعات بختیار برای تعیین وزیران کابینه پایان گرفت و روز ۱۶ دی ۱۳۵۷ش. کابینه اش را معرفی کرد. همزمان با تشکیل کابینه جدید تغییراتی در ارتش از سوی شاه انجام شد؛ در کادر فرماندهان لشگرها نیز تغییرات عمده ای صورت گرفت و فرمانداران نظامی تغییر کردند. کابینه بختیار عموماً کابینه ای بود، غیر وابسته به گروه ها و بیشترین انتصاب جدال انگیز او عباس قلی عموزاده او بود که به وزارت صنایع و معادن منصوب شد. در کابینه او هیچ سیاستمدار مخالفی وجود نداشت. [۸]

در ۲۳ دی ماه بختیار اعلام کرد که در غیاب شاه یک شورای سلطنت نه نفری حکومت خواهد داد؛ شورای سلطنت از قره باغی رئیس ستاد ارتش، عبدالله انتظام رئیس هیئت مدیره شرکت نفت و جلال تهرانی رئیس شورا و علیقلی اردلان وزیر دربار و چهار نماینده دیگر و نخست وزیر تشکیل یافت. [۹]

در ابتدای تشکیل کابینه بختیار دو اقدام شایسته انجام گرفت، مطبوعات که به عنوان اعتراض علیه دولت نظامی از هاری اعتصاب کرده بودند، پس از ۶۱ روز که اعتصاب آنها ادامه داشت، به انتشار روزنامه مبادرت نمودند. نکته دوم دستوری بود که از پاریس توسط امام خمینی صادر شد، مبنی بر نظارت در کار تولید نفت و بنزین؛ برای رفع نیازهای داخلی کشور. مهندس بازرگان، هاشمی رفسنجانی، مهندس کتیرایی و دکتر باهنر و چند نفر دیگر در معیت مهندس کاظم حسینی عازم آبادان شدند و ضمن مذاکره با کارگران شرکت ملی نفت به توافق رسیدند و تولید نفت برای مصارف داخلی به هزار ۲۲۰ بشکه رسید [۱۰] از برنامه های دیگر بختیار انحلال ساواک و پایان بخشیدن به حکومت نظامی [۱۱] و محاکمه سران رژیم که در زندان حکومت نظامی به سر می بردند و دیگری لغو قراردادهای خرید اسلحه از آمریکا و انگلیس بود. [۱۲]

بدین روی بختیار در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ رأی اعتماد مجلس را گرفت و به دنبال رأی اعتماد مجلس، شاه و همسرش از ایران خارج شدند. [۱۳] بختیار عمری در جبهه ملی علیه رژیم شاه مبارزه کرده بود و زمانی نخست وزیر شد که از جلال و جبروت این مقام و قدرت سیاسی آن جز هاله ای رنگ باخته چیزی باقی نمانده بود. [۱۴]

در روز دهم دی تا ۲۶ که بختیار سرگرم تعیین وزیران و پاسخ به نمایندگان بود، در تهران و شهرستان ها حوادث و اتفاقات بسیار ناگواری رخ داد؛ در ۱۰ دی ماه در شهر مشهد، مردم به کلانتری ها و انجمن ایران و آمریکا حمله کردند و به دستور فرماندار نظامی با تانک به مردم حمله شد و ده ها تن کشته شدند؛ در کرمانشاه، ملایر، همدان، قم، بروجرد و... مردم تظاهرات کردند. روز ۱۲ دی ماه امام در پاریس به مناسبت کشتارهای اخیر رژیم در کرمانشاه و مشهد و قزوین و شهرستان های ایران، پیامی فرستادند و متذکر شدند؛ اعانت به دولت یاغی و پرداخت مالیات و پول آب و برق و تلفن و سایر کمک ها به دولتی که شاه را سر کار آورد، خیانت به ملت و مخالف با حکم خدای تبارک و تعالی است. [۱۵]

در دی ماه ۱۳۵۷ که مذاکرات لازم برای نخست وزیری شاپور بختیار انجام گرفته بود، هایزر (معاون فرماندهی نیروهای سازمان اتلانتیک) به تهران آمد. [۱۶] هایزر از مأموریت خود چند هدف عمده را دنبال می کرد که عبارتند از: نخست آن که از عملیات خودسرانه و حساب نشده ارتش بعد از فرار شاه از ایران جلوگیری کند؛ [۱۷] دوم آن که ارتش را موظف سازند که از دولت بختیار پشتیبانی نماید و در صورت لزوم مبادرت به کودتای نظامی شود؛ سوم آن که تکلیف قراردادهای فروش سلاح های پیشرفته آمریکا در ایران را روشن کند؛ چهارم آن که وسایل و سلاح های مدرن آمریکا در ایستگاههایی آن کشور، در ایران به تصرف شوروی در نیاید. [۱۸]

همزمان با خروج شاه از ایران امام خمینی پیامی در ۹ ماده برای مردم و ملت ایران فرستاد و اعضای آن را غیر قانونی دانست و از نماینده های مجلس خواست که از رفتن به مجلس خودداری کنند. [۱۹]

از روزی که از طرف امام خمینی شورای سلطنت غیر قانونی شناخته شد و توصیه گردید، وزرا را به وزارتخانه ها راه ندهند عملاً از اعضای کابینه سلب اختیار شد. از طرفی عدم قبول وزارت جنگ از طرف فریدون جم کابینه را متزلزل ساخت و به دنبال آن استعفای یحیی صدق وزیری وزیر دادگستری ضربه دیگری بود که دولت را بیش از پیش متزلزل ساخت. بعد از خروج شاه نیز بختیار به عنوان نخست وزیر غیر قانونی، از طرف تمام دسته جات مورد حمله قرار گرفت و تلاش های مداوم او برای دستیابی به امام بی نتیجه ماند. [۲۰]

سران ۴ کشور آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان در اوج بحران ایران جمع شدند، تا ایران را بار دیگر برای خود نگه دارند. رییس جمهور فرانسه با توجه به اقامت امام در فرانسه به اظهار نظر پرداخت و صدر اعظم آلمان و نخست وزیر انگلیس عواقب مسأله سوخت و انرژی را مطرح کردند؛ تصمیم آنها محرمانه بود و اعلامیه ای هم صادر کردند. در این کنفرانس بود که بختیار به عنوان مردی که باید سنگر شاه را حفظ کند، تأیید شد و برای ایجاد رابطه بین امام خمینی و بختیار تلاش شد. ژنرال هایزر به ایران آمد و یک ماه هم ماند؛ اما موضع امام خمینی تغییری پیدا نکرد و اعلام نمود، هر دولتی که با رژیم فعلی ایران همکاری کند، طرد می شود. [۲۱]

سید جلال تهرانی از طرف شورای سلطنت عازم پاریس شد، تا با امام خمینی مذاکره کند؛ ولی به دلیل این که امام این شورا را غیر قانونی می دانست، از قبول این ملاقات خودداری کرد و شرط ملاقات را استعفای تهرانی دانست و تهرانی هم تقاضای استعفا داد [۲۲] و بختیار دلیل این امر را این گونه بیان می کند: «تقاضای من بود که آقای تهرانی به پاریس برود، تهرانی می توانست حرفش را به گوش برساند و نشان دهد که نه فقط تاج و تخت خالی و بی صاحب نیست؛ بلکه حتی یک نفر از طرفداران خمینی هم در شورا عضویت دارد که نماینده پادشاه ایران است؛ چون تهرانی از قدیم با خمینی ارتباط داشت و زمان بازداشت ایشان، تهرانی برای آزادی او به وسائل مختلف متوسل شده بود.» [۲۳]

روز سوم بهمن کمیته ای برای استقبال از امام تشکیل شد، دولت بختیار برای جلوگیری از ورود امام فرودگاه را بست این اقدام باعث خشم مردم شد. مردم به خیابان ها ریختند [۲۴] و از بختیار خواستند که از تصمیم خود صرف نظر کند، بالاخره بختیار تسلیم شد و ۱۲ بهمن امام به ایران بازگشت. [۲۵]

از طرف امام در ۱۶ بهمن مهدی بازرگان به عنوان رییس دولت موقت انتخاب شد و بازرگان دولت بختیار را غیر قانونی دانست. از مهمترین وظایف شورای انقلاب، انتقال قدرت از نظام سلطنتی به حکومت اسلامی بود؛ اما شاپور بختیار همچنان سعی می کرد، از یک طرف حمایت مخالفان را جلب کند و از طرف دیگر ارتش را در غیاب شاه مطیع خود سازد. [۲۶]

وقتی آمریکا متوجه این امر شد که بختیار با کمک ارتش نمی تواند بر اوضاع مسلط شود، به فکر نزدیکی با مخالفان و کنار آمدن با رژیم آینده افتاد؛ [۲۷] به این منظور در جلسه ای که ارتشبد قره باغی و فرماندهان نظامی حضور داشتند، تصمیم به بی طرفی ارتش گرفته شد و از آن لحظه زندگی مخفی بختیار شروع شد و همین امر باعث شد که امام اعلام کند که انقلاب پیروز شده است. [۲۸]

پس آن که بختیار در فرانسه مقیم شد، نهضت مقاومت ملی را تشکیل داد و به تأسیس یک رادیو پرداخت که مرتب علیه جمهوری اسلامی مطالبی پخش می کرد و دو روزنامه نهضت و قیام ایران را راه انداخت که سالیان دراز منتشر گردید. [۲۹]

کودتای نوژه در آذر ۱۳۵۹ نیز از اقدامات گروه بختیار بود و آغاز کودتا از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان پایه ریزی شد و به همین دلیل پس از کشف و سرکوب به کودتای نوژه شهرت یافت. [۳۰] هدف کلی آن سرنگونی جمهوری اسلامی و جایگزین کردن یک حکومت نظامی تا برقراری نظم کامل و سپس جایگزین کردن یک حکومت دموکراسی تحت رهبری بختیار بود. [۳۱]

با تشکیل نهضت مقاومت ملی در پاریس، وقتی برنامه مبارزه با جمهوری اسلامی آغاز گردید، از طرف امام خمینی بختیار محکوم به مرگ شد. در مرداد ۱۳۵۹ ش. یک گروه تروریستی مرکب از سه نفر با گذرنامه سوری، لبنانی و فلسطینی وارد خانه بختیار شدند؛ اما موفق به ترور او نشدند؛ اما او در ۱۵ مرداد ۱۳۷۰ ش. به طرز فجیعی در خانه خود به قتل رسید. [۳۲] محاکمه متهمین در پاریس مدت ها طول کشید. متهمین ۹ نفر بودند که ۶ نفر آنها فرار کردند و برای سه نفر آنها که علی و کیل آبادی، مسعود هندی و زین العابدین سرحدی بودند، به ترتیب حبس ابد، ده سال زندان و تبرئه در نظر گرفته شد. [۳۳]

پی نوشت :

[۱]. خاطرات شاپور بختیار، دانشگاه هاروارد، ویراستاری لاجوردی، ۱۳۵۷، ص ۱۱.

[۲]. بختیار، شاپور؛ یکرنگی، ترجمه مهشید امیر شاهی، پاریس، بی نا، ص ۱۶۰.

[۳]. بهنود، مسعود؛ دولت های ایران، تهران، فرهنگ و ارشاد، ص ۳۷۱.

[۴]. مدنی، جلال الدین؛ تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۳۰۵.

[۵]. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه ترابیان، تهران، مترجم، ۱۳۷۱، ص ۳۵۶.

[۶]. عاقلی، باقر؛ نخست وزیران ایران، تهران، جاویدان، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۲۳۰.

[۷]. استمپل، درون انقلاب ایران، ترجمه شجاعی، تهران، رسا، ۱۳۷۷، ص ۲۲۲.

[۸]. همان، ص ۲۲۳.

[۹]. بختیار، شاپور؛ پیشین، ص ۱۸۰.

[۱۰]. عاقلی، باقر؛ پیشین، ص ۱۲۳۴.

[۱۱]. سی و هفت روز پس از سی و هفت سال، گفتگو با دکتر شاپور بختیار، انتشارات رادیو ایران، چاپ پنجم، ۱۳۶۲، ص ۸۳.

[۱۲]. الموتی، مصطفی؛ بازیگران سیاسی از مشروطیت تا سال ۱۳۵۷، لندن، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۶۶.

- [۱۳]. بختیار، شاپور؛ پیشین، ص ۱۸۷.
- [۱۴]. میلانی، عباس؛ معمای هویدا، تهران، اختران، ۱۳۸۰، ص ۴۰۹.
- [۱۵]. موحدی، دو سال آخر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۲۷۷.
- [۱۶]. محمدرضا پهلوی، پیشین، ص ۳۶۵.
- [۱۷]. روبین، باری؛ جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه مشرقی، تهران، آشتیانی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۷.
- [۱۸]. هایزر، خاطرات هایزر، مأموریت در تهران، ترجمه رشیدی، اطلاعات، ۱۳۶۷، صص ۲۶۵-۲۸۰.
- [۱۹]. عاقلی، باقر؛ پیشین، ص ۱۲۳۵.
- [۲۰]. عاقلی، باقر؛ پیشین، ص ۱۲۲۴.
- [۲۱]. مدنی، جلال‌الدین، پیشین، ص ۳۰۸.
- [۲۲]. دو سال آخر، همان، ص ۲۷۴.
- [۲۳]. بختیار، شاپور؛ پیشین، ص ۱۸۰.
- [۲۴]. موحدی، پیشین، ص ۲۷۸.
- [۲۵]. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۲۵، ص ۲۲۵.
- [۲۶]. انقلاب ایران به روایت رادیو بی‌بی‌سی، زیر نظر هوشنگ مهدوی، طرح نو، ۱۳۷۲، ص ۳۴۰.
- [۲۷]. روبین، باری؛ پیشین، ص ۱۷۵.
- [۲۸]. آموزگار، جهانگیر؛ فراز و فرود، ترجمه لطفعلیان، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۵، ص ۵۸۷.
- [۲۹]. الموتی، مصطفی؛ پیشین، ص ۲۶۸.
- [۳۰]. کودتای نوزده، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۰.
- [۳۱]. همان، ص ۳۱۰.
- [۳۲]. طلوعی، محمود؛ بازیگران عصر پهلوی، ۱۳۷۲، تهران، نشر علم، ج ۲، ص ۵۹۶.
- [۳۳]. الموتی، مصطفی؛ پیشین، ص ۲۸۵.

پژوهشکده باقرالعلوم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۲۳۲۱/آخرین-وزیر-نخست>